

تطبیق نوع رفتار با بردگان در خمسه نظامی و رمان «کلبه عمو تم»

سعید کریمی قره‌بابا*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۱۶

ناهید جوان بی‌پروا**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۵/۱۲

حسن حیدرزاده سردرود***

چکیده

هدف اصلی این پژوهش کتابخانه‌ای بررسی رفتارهایی است که با بردگان در «خمسه» نظامی و رمان «کلبه عمو تم» نوشته هریت بیچر استو انجام شده است. طرز تلقی و نوع نگاه نظامی و استو به مسأله برده‌داری متأثر از دیدگاه عام‌تر جامعه آنان نسبت به برده‌داری است. با بررسی نوع رفتارهایی که اربابان با بردگان خود داشته‌اند به دو نگاه عام و متفاوت برمی‌خوریم؛ در آمریکای اواخر قرن بیستم بردگان از حداقل حقوق انسانی خود محروم بودند و به فجیع‌ترین شکل ممکن با آنان رفتار می‌شد ولی در «خمسه» نظامی برخوردهای چندان ظالمانه‌ای در قبال بردگان ملاحظه نمی‌شود چراکه بردگان زیر سایه اربابان زندگی راحتی را می‌گذراندند و حتی در مواردی نه‌چندان کم عضوی از خانواده نیز محسوب می‌شدند. در مقابل از چند مورد بی‌لطفی با بردگان نیز در «خمسه» سخن به میان آمده است که نسبت به رفق و مهربانی اربابان بسیار اندک است؛ از جمله این بی‌لطفی‌ها؛ تحقیر بردگان و خشونت علیه آنها است. در رمان «کلبه عمو تم» نیز آزاد کردن بردگان و مهربانی با آنها توسط اربابان بعضاً مجال طرح یافته است که حاکی از وجود انسان‌های وارسته‌ای است که در جامعه آمریکا زندگی می‌کرده و طرفدار الغای بردگی بوده‌اند.

کلیدواژگان: منظومه، ایران، آمریکا، اربابان، مهربانی، خشونت.

* عضو هیأت علمی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز شبستر، شبستر، ایران (استادیار).

karimisaid58@yahoo.com

** فارغ التحصیل کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور مرکز بستان آباد، بستان آباد، ایران.

nahidjavan30@gmail.com

*** عضو هیأت علمی رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور بستان آباد، بستان آباد، ایران (استادیار).

hasanheidarzadeh@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل تأثیربرانگیز تاریخ بشری، برده‌داری است. برده‌داری تا یک قرن پیش تقریباً در همه جوامع امری رایج تلقی می‌شد و به عنوان نظامی ناعادلانه در اغلب فرهنگ‌ها ریشه دوانده بود و بر خلاف آنچه امروزه می‌پنداریم در آن روزگاران هرگز کسی نمی‌توانست به ریشه‌کنی آن بیندیشد. این عمل که شخصی، شخص دیگر را به اجبار یا به اختیار برای اهداف گوناگون تحت تملک خود درآورد، سنتی ظالمانه و غیرانسانی محسوب می‌شود که بازتاب آن را در بسیاری از ساحت‌های تاریخ فرهنگی ملل به وضوح می‌توان می‌دید. ادبیات یکی از آن ساحت‌های فرهنگی است که در آن آداب و رسوم دیرین انعکاس دارد. «یک اثر داستانی یک ساخت کل است. این ساخت خود یک سلسله ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، روانی، فلسفی و غیره را در خویش دارد که چهره این یا آن جامعه و چگونگی‌های این دوره یا آن دوره را به ما نشان می‌دهد» (مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۶۶). یقیناً میان ساختارهای ادبی و ساختارهای اجتماعی ارتباط متقابلی است. «هر نویسنده‌ای در دوران خود به مجموعه‌ای از پرسش‌ها و مسائل اجتماعی پاسخ می‌گوید. با بررسی آثار نویسندگان ادوار مختلف می‌توان دریافت که پاسخ‌های نویسندگان آن ادوار به مسائل اجتماعی و فرهنگی آن دوران چه بوده است» (عسگری حسنگلو، ۱۳۸۷: ۶۹). ما در این مقاله اثر ادبی را به منزله یک سند ادبی در نظر گرفته‌ایم که به سؤالات ما درباره چند و چون برده‌داری در میان دو ملت در دو مقطع زمانی متفاوت پاسخ می‌دهد. در سطور آتی کوشش می‌شود تا با مقایسه‌ای تطبیقی، ابعاد متفاوت مسأله برده‌داری در منظومه‌های نظامی و رمان «کلبه عمو تم» نوشته هریت / استو مورد بحث قرار گیرد. «ادبیات تطبیقی به طور مرسوم به حوزه‌ای از پژوهش‌های ادبی نسبت داده می‌شود که در آن آثار ادبی یا ادیبانی از دو زبان و ملیت متفاوت با یکدیگر مقایسه می‌شوند و در نهایت شباهت میان دو اثر یا نویسنده مورد نظر به عنوان یافته‌های اصلی پژوهش مطرح می‌شود» (آریان و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۰). گرچه داستان‌های نظامی و هریت / استو در دو جامعه متفاوت به وقوع پیوسته است ولی هر دو نویسنده به نحوی با این مسأله مواجه بوده و در آثار خود، جزئیات آن را به تصویر کشیده‌اند. نویسندگان این مقاله متوجه دو نوع نگاه متفاوت در رفتار حاکمان نسبت به

بردگان شده‌اند. تفاوت‌هایی اساسی میان فرهنگ برده‌داری غرب و جایگاه والای غلامان در فرهنگ ایرانی وجود دارد. مسلمانان با رأفت و مهربانی با بردگان رفتار می‌کردند ولی در آمریکای اواخر قرن نوزدهم بردگان به بیگاری کشیده می‌شدند و از حداقل حقوق خود محروم بودند.

پرسش‌های پژوهش

بر پایه مقایسه‌ای تطبیقی، چه تفاوت‌ها و نیز شباهت‌هایی در نوع رفتار با بردگان در دو اثر مزبور دیده می‌شود؟

در هر یک از این دو اثر، بردگان تا چه اندازه از کرامت انسانی برخوردارند؟

فرضیه‌های پژوهش

هر دو داستان پرداز به طور صریح به مسأله بردگی و برده‌داری و صاحب اختیار بودن ارباب اشاره کرده‌اند

نوع رفتارهای اعمال شده بر بردگان در این دو اثر با همدیگر تفاوت‌های فراوان دارد.

مواد و روش پژوهش

مواد اصلی این تحقیق عبارت‌اند از «خمسه» نظامی گنجوی و رمان «کلبه عمو تم» نوشته هریت استو.

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی-تقابلی است.

پیشینه پژوهش

تا کنون پیرامون منظومه‌های نظامی مطالعات تطبیقی بسیاری صورت پذیرفته است ولی این مقاله نخستین پژوهش در حوزه مقایسه مضمونی آن با یک رمان خارجی است. درباره رمان «کلبه عمو تم» تنها یک مقاله تحلیلی به زبان فارسی یافته شد. زهره یزدان‌پناه در مقاله‌ای با عنوان «عشق، ایمان، مبارزه» این رمان را از لحاظ ساختاری و اندیشگی بررسی کرده است. با این توضیح، پژوهشی تطبیقی که به شکل ویژه مربوط به

اصلی‌ترین درون‌مایه این مقاله یعنی برده‌داری باشد تا کنون صورت نگرفته است. این مقاله نخستین پژوهش پیرامون وجوه اشتراک و اختلاف مسأله برده‌داری، میان دو اثر کلاسیک در ادبیات ایران و آمریکا است.

نظامی گنجه‌ای

حکیم جمال‌الدین ابو محمد الیاس بن یوسف نظامی گنجوی (۵۳۶ق - ۵۹۹ق) سخن‌آور بزرگ پارسی‌گوی و یکی از منظومه‌پردازان و داستان‌سرایان توانای ایران زمین است. آفاق شعر فارسی از هنر او گسترده‌تر و رنگارنگی یافته و اندیشه‌های لطیف و دلکش‌اش دولت‌پاینده و شکوهمندی برای وی در عالم ادب رقم زده است. نظامی خالق داستان‌های ماندگار در ادبیات غنایی جهان است. دیانت، حکمت، اخلاق و عشق به همراه دل‌نگرانی در قبال مسائل اجتماعی از مهم‌ترین موضوعات شعر او محسوب می‌شود. دکتر شفیع کدکنی نظامی را یکی از سازندگان معنویت ایرانی قلمداد می‌کند (محمد بن منور میهنی، ۱۳۸۸: پنج) و دکتر زرین‌کوب نیز وی را یکی از طراحان مدینه فاضله ایرانی معرفی می‌نماید (زرین‌کوب ۱۳۷۲: ۲۹۹). نظامی به جز دیوان اشعارش کلیاتی به نام «پنج‌گنج»، شامل پنج کتاب جداگانه با نام‌های «مخزن الاسرار»، «خسرو و شیرین»، «لیلی و مجنون»، «هفت‌پیکر» و «اسکندرنامه» دارد.

هریت بیچر استو

هریت استو (Harriet Beecher Stowe) از نامی‌ترین نویسندگان ادبیات پایداری سیاهان و از هواداران فعال لغو برده‌داری در آمریکا به شمار می‌رود. او در چهاردهم ژوئن ۱۸۱۱ در لیچفیلد ایالت کنتیکات به دنیا آمد. لیمان بیچر (پدر او) یکی از مبلغان «کلیسای جماعتی» بود. او در ۲۱ سالگی به همراه خانواده‌اش به اوهایو سفر کرد و در آنجا نیز به تدریس مشغول شد. هریت در این سال‌ها از نزدیک شاهد زندگی سیاهان و ظلمی که بر آنان می‌رفت بود. وضع برده‌داری آمریکا در آن زمان تأثیر زیادی بر روحیه وی گذاشت. هریت در سال ۱۸۳۶ با کشیشی به نام کالوین استو ازدواج کرد. او در زمان انتشار کتاب «کلبه عمو تم» (۱۵ مه ۱۸۵۲ م) زنی چهل‌ساله و گمنام بود اما پس از

انتشار کتابش، نویسنده‌ای مشهور شد. هریت پس از تألیف رمان «کلبه عمو تام»، کتاب‌های دیگری نیز نوشت ولی هیچ‌کدام آن‌ها به اندازه این کتاب، شهرت جهانی نیافت. پس از ۹ سال از انتشار «کلبه عمو تم» و در سال ۱۸۶۱ جنگ داخلی آمریکا آغاز شد که سرانجام آن، صدور فرمان لغو برده‌داری بود. هریت در یکم ژوئیه ۱۸۹۶ در هارتفورد ایالت کنتیکات درگذشت (استو، ۱۳۸۵: ۶-۱). «درخشان‌ترین اثر هریت رمان «کلبه عمو تم» (Uncle Tom's Cabin) بود که مورد استقبال کم‌نظیر قرار گرفت. در یک سال سی صد هزار نسخه از آن به فروش رفت و دست کم به سی و هفت زبان برگردانده شد» (تراویک، ۱۳۹۰: ۸۳۹). «شخصیت اصلی رمان برده پیر وفاداری به نام عمو تم است که ارباب سنگدلش با او رفتاری ظالمانه داشته و تا سر حد مرگ تازیانه‌اش می‌زده است؛ داستان بر محور محاکمات این برده دور می‌زند» (همان). یکی از منتقدان اعتقاد دارد که «کلبه عمو تم» انسان سیاه‌پوست را از درِ مخصوص خدمتکاران وارد عمارت ادبیات آمریکا کرده است (ژنس، ۱۳۸۸: ۲۳۳). به باور وی «این رمان اثر مبارزه‌جویانه‌ای است در راه الغای بردگی و حتی این کتاب در *آبراهام لینکلن* اثر گذاشته است. «کلبه عمو تم» نقشی انکارناپذیر در بیدار کردن وجدان جامعه داشته است» (همان: ۲۳۴). خود بیچر/ستو معتقد بود که خداوند این کتاب را به من دیکته کرده است» (همان: ۲۳۵) نویسنده‌ای دیگر دلیل موج‌آفرینی عظیم این کتاب را صداقت و عمق باور مذهبی/ستو بر علیه استعمار و استثمار و آپارتاید می‌داند (یزدان‌پناه، ۱۳۸۱: ۳۹).

رفتار با بردگان

برده‌داری تنها منحصر به پادشاهان و وزیران نبوده، بلکه هر کسی که از نظر مالی شرایط بهتری داشت می‌توانست برده داشته باشد؛ حتی در ادواری از تاریخ، بردگان به قدری به وفور در دسترس بودند که با قیمت بسیار ناچیزی خرید و فروش شده، در خانه یا مزرعه به کار گماشته می‌شدند. «نه تنها اشراف و سوداگران بلکه گاهی دهقانان نیز برده داشتند» (پتروشفسکی، ۱۳۵۶: ۳۱). با این تفاوت که بردگان بزرگان در کمیت و کیفیت (زیبایی، هنرمندی و جنگاوری) از بردگان مردم عادی متمایز بودند. کریستن سن

در باب صاحبان بردگان در عصر ساسانی می‌گوید: «در میان صاحبان مراتب آن زمان، کسی که از حیث قدرت و اقتدار رتبه اول را داشت، وزرگ فرمذار مهر نرسه پسر وزرگ بوده، که لقب و عنوان هزار بندگان داشت. نسبت او به خانواده سپندیاز می‌رسید که یکی از هفت خاندان ممتاز بود» (کریستن‌سن، ۱۳۷۹: ۳۷۷).

هرچند رسم اربابی و برده‌داری در جهان معمول بود، ولی کیفیت رفتار با بردگان به کلی از سرزمینی به سرزمین دیگر متفاوت بود. در روم رفتار با بردگان بسیار خشونت‌آمیز بود؛ چنانچه عبد/الحسین نوایی در مقاله‌ای که تحت عنوان «اسنادی از خرید و فروش برده» به چاپ رسانده است، خاطر نشان می‌کند که در اروپا، بردگان را به کشتی‌های جنگی بازوئی سوار می‌کردند تا به طور منسجم پارو بزنند و برای اینکه از فرار آن‌ها جلوگیری کنند، پاهای آن‌ها را به یکدیگر زنجیر می‌کردند. نوعی دیگر از رفتار با این بیچارگان، تربیت آنان به عنوان گلابدیا تور بود تا برای تفریح خاطر، آنان یکدیگر را بی‌گناه بکشند تا کشته نشوند. زنان نیز از این مقوله مستثنی نبودند؛ زنانی که مورد تجاوز اربابان قرار می‌گرفتند به زودی جان خود را از دست می‌دادند، مخصوصاً وقتی که حامله می‌شدند، زیرا ارباب نباید با برده هم‌بستر می‌شد تا خون اشرافی وی با خون برده آمیخته نشود (نوایی، ۱۳۸۱: ۵).

رفتارهای انسانی مشترک بین خمسه و کلبه عمو تم

۱. آزاد کردن بردگان

آزاد کردن بردگان از عهد باستان بین اربابان رایج بوده است و موارد ملاحظه شده از کتب تاریخی خود بر وجود جوانمردی و عطوفت میان مردمان شهادت می‌دهد. «در زمان کمبوجیه پسر کوروش، مغی زردشتی که گئوماتا نام داشت برای ترویج دین زردشتی قیام کرد و بتکده‌ها را در ایران ویران ساخت و به جای آن، آتشکده بنا کرد و دست به اصلاحات اجتماعی زد. وی بردگان را آزاد و زمین‌های بزرگ را بین کشاورزان تقسیم کرد و مورد قبول طبقات مستمند و محروم اجتماع گردید» (قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۵۹). «قرآن از نظر اعتقادی، بیش از ادیان یهودی و مسیحی بردگی را نفی نکرده است اما همچون آیین‌های پیشین هرچند به صورتی نسبتاً متفاوت کوشیده است

تا این نهاد اجتماعی را محدود سازد. قرآن به دفعات آزاد کردن برده را کاری پرارزش (بِرّ) می‌خواند (بقره / ۱۷۷ و بلد / ۱۳)، مصرف زکات را در این راه راه می‌شمارد (توبه / ۶۰) یا کفاره برخی از گناهان مانند قتل غیر عمد (نساء / ۹۲) و سوگند دروغ را آزاد کردن بردگان قرار می‌دهد (مائده / ۸۹) «(رضاپور پرشکوهی، ۱۳۸۸: ۲۸).

موضوع آزادی بردگان در ادبیات فارسی مورد بی‌مهری قرار گرفته است و شاعران و نویسندگان توجه کم‌تری به آن داشته‌اند شاید «چون بسیاری از آن‌ها، خود، برده‌دار بوده و تمایلی نداشته‌اند که برده‌هایشان از قوانین آزادی اطلاع یابند» (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۵۲) اما در میان شاعران، *نظامی گنجه‌ای* اشاراتی از سنت آزادی بردگان را مطرح ساخته است؛ مثلاً *نظامی* در داستان «خسرو و شیرین» چنین می‌گوید:

اسیری را به وعده شاد می‌کن
مبارک مرده‌ای آزاد می‌کن

(نظامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲۱)

بدین خواری مجویم گر عزیزم
خط آزادیم ده گر کنیزم

(همان: ۲۳۷)

در جایی از «خردنامه» آنجا که اسکندر در بازگشت از هندوستان دچار گرفتاری شده بود به صدقه اینکه از بلا رسته است، بردگان زیادی را آزاد می‌کند:

چو اسکندر آمد ز دریا به دشت
گذشته به سر بر بسی برگذشت

برآسود بر خاک از آن ترس و باک
غم و درد بُرد از دل ترسناک

بسی بنده و بندی آزاد کرد
ز یزدان به نیکی بسی یاد کرد

(همان: ۴۵۵)

شاعر در بخش «مدح شروانشاه اخستان بن منوچهر» از منظومه «لیلی و مجنون»

نیز اشاره می‌کند که *شروانشاه* بندگان زیادی را آزاد کرده است:

بخشیدن گوهرش به کیل است
تحریر غلام خیل خیل است

(همان: ۴۶۳)

در جامعه آمریکا نه‌تنها خبری از قوانین شرعی در مورد آزادسازی بردگان نبود بلکه قوانین از حاکمیت سرسختانه و ظالمانه علیه این بیچارگان حکایت داشت و موافقان قانون لغو برده‌داری نه‌تنها با مخالفت قانون‌گذاران بلکه با مخالفت روحانیون کلیساها نیز

مواجه می‌گردیدند. از آنجا که برده فروشی با سود و رفاه زندگی مادی ارتباط داشت، روحانیون کلیساها انجیل را مطابق منافع اجتماعی خود تفسیر می‌کردند تا جایی که قانونمداران نیز قوانین مربوط به برده‌داری را موافق اصول مسیحیت می‌دانستند (استو، ۱۳۷۶: ۱۳۷).

جون وان ترومپ خطاب به سناتور می‌گوید: «من نزد شما اقرار می‌کنم که از کلیسا رفتن خودداری می‌کردم برای اینکه کشیش‌ها در کلیسا موعظه می‌کردند و می‌گفتند که برده فروشی را انجیل مجاز دانسته» (همان: ۱۵۷) و در جای دیگری از کتاب نجیب‌زاده‌ای ادعا می‌کند: «بدون تردید اراده تقدیر بر آن است که آفریقا برده باشد. کتاب مقدس می‌گوید: کنعان غلامِ غلامان باشد و بر آن لعنت باد» (همان: ۲۰۴).

در واقع تنها دلیل آزادسازی بردگان، رفتار انسانی برخی از برده‌داران بود. هریت استو از زبان آقای برد- که می‌خواهد الیزا و بچه‌اش را به جای امنی فراری دهد- از مردی می‌گوید که بردگان خود را آزاد ساخته و به بردگان پناه می‌دهد: «من یک مشتری دارم به نام وان ترومپ که از کنتاکی آمده است و تمام برده‌هایش را آزاد کرده است» (استو، ۱۳۷۶: ۱۴۹).

۲. حسن خلق با بردگان

با توجه به اسناد تاریخی مشرق زمین، رفتار اربابان با بردگان خویش حاکی از انصاف آن‌هاست؛ مثلاً *عنصر المعالی کیکاووس* خطاب به برده‌داران می‌گوید: «و بر بندگان و آزادگان خویش بار به طاقت او بر نه تا از بی‌طاقتی بی‌فرمانی نکنند. و خود را به انصاف آراسته دار تا آراسته آراستگان باشی» (عنصر المعالی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). گاهی رفتار با بردگان چنان سرشار از محبت و دوستی بود که آنان را مانند فرزندان خود عزیز می‌داشتند و آنان را مورد تعلیم و تربیت و هم‌بازی فرزندان خود قرار می‌دادند. کریستن سن از زبان *خوش آندوریک* که از غلامان دربار خسرو اول بوده، می‌گوید: «در سن مقرر او را به مدرسه گذاشته‌اند و قسمت‌های مهم اوستا و زند را «مانند یک هیربذ» در آنجا از بر کرده، سپس در تعلیمات متوسطه ادبیات، تاریخ، فن بیان و هنر اسب سواری، تیراندازی، نیزه بازی و بکاربردن تبرزین را آموخته، موسیقی و سرود و ستاره‌شناسی را

فراگرفته، در شطرنج و سایر بازی‌ها به حد کمال رسیده است» (کریستن، ۱۳۷۹: ۵۴۸).
نظامی بارها از خوش رفتاری اربابان با بردگان سخن به میان آورده است که نمونه‌ای از
آن رفتار شیرین با کنیزان خویش است:

شکر لب با کنیزان نیز می‌ساخت
کنیزانه بدیشان نرد می‌باخت
(نظامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۲۳)

همچنین در داستان «گنبد سیاه» منظومه هفت پیکر، «زن زاهد سیاه پوش»
خشنودی خود را از ارباب خود اعلام می‌دارد که این خشنودی نتیجه خوش رفتاری ارباب
اوست:

من کنیز فلان ملک بودم
که ازو گر چه مُرد خوشنودم
(همان: ۴۸۶)

نظامی گنجه‌ای در میان افسانه‌های شیرین خود به بیان نکات اخلاقی فراوانی
می‌پردازد. یکی از این نکات، دعوت برده‌داران به رفق و مهربانی نسبت به بردگان است:

آن به که درم خریده تو
سرمه نبرد ز دیده تو
هر خواجه که این کفایتش نیست
بر بنده خود ولایتش نیست
وان کس که بدین هنر تمام است
نخریده ورا بسی غلام است
هستم چو غلام حلقه در گوش
می‌دار به بندگیم و مفروش
(همان: ۵۴۹)

نظامی در منظومه «شرفنامه» اش باز از مهربانی/سکندر نسبت به غلامان خود سخن
می‌گوید:

نوازش همی کرد با بندگان
نگه داشت آیین فرخندگان
(همان: ۶۹۶)

هریت/ستو نیز در «کلبه عمو تم» از اربابانی سخن می‌گوید که با بردگان خود
مهربانی و خوش رفتاری می‌کنند. با توجه به وضعیت حاکم بر بردگان آن جامعه که زیر
شکنجه‌هایی سرسخت و دلخراش بودند، رفتار این اربابان بسیار ستودنی است. اولین
شخص آقای شلبی صاحب الیزا است که در مقابل هالی که خواستار خریداری فرزند الیزا
است، می‌گوید: «من ترجیح می‌دهم او را نفروشم آقا؛ من مردی هستم دارای عواطف

انسانی و دوست ندارم مادری را از فرزندش جدا کنم» (استو، ۱۳۷۶: ۳۱). خانم آقای شلیبی نیز نمونه‌ای از انسان‌های شایسته آن عصر است، که /ستو درباره او می‌نویسد: «الیزا از کودکی زیر دست خانمش تربیت شده بود. خانم نه تنها او را عزیز می‌داشت، بلکه تا اندازه‌ای هم لوسش می‌کرد» (همان: ۳۹). سپس از عروسی که خانم برای الیزا تدارک دیده بود می‌گوید: «مراسم عروسی در تالار بزرگ خانه برگزار شد. خانم خودش موهای عروس را با گل‌های بهارنارنج زینت داد و تور سفیدی روی صورتش انداخت» (همان: ۴۲). نویسنده از زبان خود خانم نیز خدماتی را که وی برای بردگان ارائه داده است، چنین برمی‌شمارد: «من کوشیده‌ام که مانند یک زن مسیحی با ایمان، وظایفم را نسبت به این موجودات پاکدل و تیره روز انجام دهم. من از آن‌ها مراقبت کرده و تعلیمشان داده‌ام» (همان: ۶۸).

خانم برد همسر سناتور حامی لغو بردگی است و عقیده دارد که چنین قانونی ظالمانه و ضد مسیحیت است و سناتور که از قانونگذاران بر ضد بردگی است از جمله افرادی است که خشن‌ترین قانون را در مجلس سنا علیه بردگان فراری وضع می‌کنند. به موجب این قانون، غذا دادن به سیاه‌ها منع شده است (همان: ۱۳۷)؛ با این وجود از آنجا که حس انسان دوستی در سناتور هنوز زنده است به الیزا و فرزندش پناه می‌دهد و جان خود را به خطر انداخته، پس از عبور از مسیری سخت او را به خانه آقای وان ترومپ می‌رساند به امید اینکه در آنجا در امان خواهند بود. خانواده آقای وان ترومپ که مشهور به خانواده کوآکرهاست، لطف بزرگی در حق الیزا و فرزندش می‌کنند که باورش برای الیزا ناممکن است و آن، رساندن همسرش ژرژ به آن‌هاست. (همان: ۲۳۱-۲۱۹). این خانواده برای فراری دادن بردگان جان خود را به خطر می‌اندازند تا آن‌ها را از دست تم لگر و دوستانش در امان نگه داشته و فراری‌شان بدهند (همان: ۲۳۰-۲۹۹). شخصت دیگر آقای سن کلار است که در خانه خود به حدی میدان را برای بردگان فراخ می‌کند که باعث اعتراض همسرش می‌گردد. ماری همسر آقای سن کلار در گلایه از همسرش می‌گوید: «آن‌ها را آزاد می‌گذارد که هر کار دلشان می‌خواهد بکنند و انگشتش را هم به طرف این سیاه‌ها بلند نمی‌کند» (همان: ۲۷۹). همچنین وضع زندگی تم در خانه سن کلار نیز نشان بر خورد انسانی آقای خانه با اوست: «تم از تماشای پرندگان و گل‌ها و

نواره‌ها و عطرها و حتی از تماشای روشنایی و زیبایی حیاط لذت می‌برد. پرده‌های ابریشمی، نقاشی‌ها، چلچراغ‌ها، مجسمه‌ها و مطلاکاری‌ها که در سالن یافت می‌شد، چنان آنجا را به نظرش باشکوه و مجلل ساخته بود که تصور می‌کرد در یک قصر واقعی شاهزاده علاء الدین زندگی می‌کند» (همان: ۲۸۸).

البته مهم‌تر از این زندگی اعتمادی بود که ارباب نثار «تم» کرده بود: «تم از اعتماد بی‌پایان یک ارباب سهل‌انگار و سست‌برخوردار بود، اربابی که به او پول می‌داد بدون اینکه اسکناس‌ها را بشمارد و پول می‌گرفت بدون اینکه شمارش کند» (همان: ۳۲۶).

رفتارهای غیرانسانی با بردگان در خمسه نظامی و کلبه عمو تم

۱. تحقیر بردگان

گرچه رفتار با بردگان در عالم اسلام طبق قول و سیره نبی اکرم (ص) باید همراه با عزت و احترام می‌بود و برده‌داران باید رفتاری انسانی با بردگان می‌داشتند؛ ولی در میان این مالکان، افرادی که بردگان را تحقیر می‌کردند و اسباب شکنجه آنان را فراهم می‌آوردند نیز کم نبود. یکی از مواردی که موجب آزار روحی بردگان می‌شد، هم‌ردیف کردن آن‌ها با اشیاء بود. این طرز فکر از زمان ساسانیان در اذهان مردم بود که بردگان مانند زر و گوهر و ملک، جزو اموال‌اند و می‌توان آن‌ها را خرید و فروش کرد و یا به عنوان هدیه بخشید. کریستن سن در این مورد می‌نویسد: «پادشاهان ساسانی در ایام سختی به زیارت این معبد آذر گشنسپ می‌شتافتند و از زر و مال و ملک و غلام در آنجا نذر می‌کردند» (کریستن سن، ۱۳۷۹: ۲۴۲).

نظامی از تحقیر بردگان توسط اربابان بسیار سخن گفته است که از جمله مهم‌ترین آن، هدیه کردن آن‌ها و هم‌ردیف کردن بردگان با اشیاء و حیوانات است؛ مثلاً پادشاه معاصر نظامی، طغرل شاه که از او سرودن خسرو و شیرین را خواسته بود و نظامی این منظومه را به او تقدیم نموده، به پادشاه، هدایایی به نظامی می‌دهد که از آن جمله ده غلام و پنج کنیز بوده است:

به تشریفم حدیث از گنج می‌رفت
غلام از ده کنیز از پنج می‌رفت

(نظامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۸۸)

در داستان‌های نظامی هم همین هدیه دادن بردگان بسیار دیده می‌شود. وقتی خسرو به ارمن می‌رسد، مهین بانو هدایایی را به خسرو پیشکش می‌کند که در آن میان غلامان نیز بودند:

گرامی نزل‌های خسروانه
فرستاد از ادب سوی خزانه
ز دیبا و غلام و گوهر و گنج
دبیران را قلم در خط شد از رنج
(همان: ۱۲۵)

از مواردی دیگر که می‌توان در «خمسه» نظامی به تحقیر غلامان راه برد، محرم ندانستن آن‌ها است. در داستان «خیر و شر»، وقتی گُرد می‌خواهد محرمانه با خیر سخن گوید غلامان را بیرون می‌فرستد:

سر برآورد گُرد روشن رای
کرد خالی ز پیشکاران جای
(همان: ۵۴۹)

تحقیر دیگر در «شرفنامه» در مورد کنیزک چینی است که چون روحیه جنگاوری دارد، اسکندر او را طرد کرده و به زندان کنیزان خود می‌فرستد:

پری چهره ترکی که خاقان چین
به شه داد تا داردش نازنین
از آنجا که شه را نیامد پسند
چو سایه پس پرده شد شهر بند
برافروخت آن ماه چون آفتاب
فرو ریخت بر گل ز نرگس گلاب
به زندان سرای کنیزان شاه
همی بود چون سایه در زیر چاه
(همان: ۷۶۷)

تحقیر بردگان در رمان «کلبه عمو تم» را می‌توان در مقابل بدرفتاری‌های دیگر از جمله شکنجه و آزار و اذیت به راحتی نادیده گرفته و چشم‌پوشی کرد چراکه وقایع فجیع بر علیه بردگان در این رمان به قدری تأسف بار است که تحقیر بردگان قباحت خود را از دست داده است. بردگان به مانند کالایی خرید و فروش می‌شوند. صاحب کالا مجاز است هر نوع تحقیر و شکنجه‌ای را به آن‌ها روا دارد بی‌آنکه برده بیچاره حق اعتراض داشته باشد. هریت استو درباره معامله‌هایی که در فروشگاه‌های برده فروشی انجام می‌گیرد چنین می‌گوید: «فروشنندگان با کمال ادب و نزاکت شما را برای بازدید کالاهای مرغوب به داخل مغازه دعوت می‌کنند. به شما اطلاع می‌دهند که مقدار زیادی

شوهر و زن و برادر و خواهر و پدر و مادر و بچه برای فروش حاضر است که بر حسب میل خریدار آن‌ها را یکجا یا سوا می‌فروشند. این انسان‌های زنده را نقد، نسبه در مقابل اجناس عطاری یا خوار و بار و بالأخره بر حسب میل و صلاح و هوش بازرگان معامله می‌کنند» (استو، ۱۳۷۶: ۵۱۲).

هالی پس از خریدن تم به بازار برده فروشی می‌رود تا برده‌ای دیگر بخرد و همراه تم به آمریکای جنوبی ببرد تا به فروش برساند. استو ماجرا را اینگونه توصیف می‌کند: «در این هنگام هالی جمعیت را شکافت و به سوی پیرمرد سیاه آمد. دهانش را باز کرد، فکش را معاینه کرد، چند ضربه به دهانش زد، دستور داد که از جایش برخیزد، بایستد و حرکات مختلف دیگری را انجام دهد تا عضلاتش را نشان دهد. آنگاه به سوی نفر دوم رفت و همین آزمایش‌ها را به جا آورد و بالأخره به سوی آلبرت رفت و به بازوانش دست زد، پنجه‌هایش را نگاه کرد، انگشت‌هایش را حرکت داد و بعد دستور داد چند بار بجهد تا نرمش بدنش را ببیند» (همان: ۱۹۹).

مناظره سن کلار با دختر عمویش میس افلیا درباره تصویر بردگان در جامعه آمریکا و مخصوصاً آمریکای جنوبی، تحقیر این قشر جامعه را آشکار می‌سازد: «انجام کارهایی را که برای من خیلی پر زحمت و تنفرانگیز و دشوار است به سیاه‌ها واگذار می‌کنم. من دوست ندارم کار کنم؛ سیاه کار خواهد کرد! آفتاب مرا می‌سوزاند! اما سیاه می‌تواند در آفتاب بماند. سیاه زحمت بکشد تا پول به دست آید و پول را من خرج کنم. سیاه در لجن فرو می‌رود برای اینکه من روی جاده خشک راه بروم. سیاه در تمام روزهای کشنده‌اش به میل من کار خواهد کرد و هرگز میل خودش حساب نخواهد بود. برده تنها به جایی می‌تواند برود که میل من باشد. این است معنی و مفهوم واقعی بردگی» (همان: ۳۵۲-۳۵۱).

برده حتی اگر از پدر آزاد متولد می‌گردید باز برده بود و از اموال پدر شمرده می‌شد. کاسی برده نگون بخت دیگری در رمان «کلبه عمو تم» است که سرگذشت خود را اینگونه روایت می‌کند: «پس از مرگ پدرم، بستانکاران صورتی از اموال پدرم تهیه کردند. من هم جزو این اموال بودم. زیرا مادرم برده بود» (همان: ۵۶۹). مسأله دیگری که موجبات تحقیر بردگان را فراهم می‌ساخت مسأله اجاره دادن بردگان بود. برده را می‌توان

مثل یک اسب یا کالا به اجاره داد و درآمدی از این راه حاصل کرد. ژرژ شوهر الیزا توسط اربابش در یک کارخانه گونی‌بافی به اجاره داده شده بود(همان: ۴۰).

۲. خشونت با بردگان

خشونت با بردگان از دیرباز در همه جوامع، کم و بیش وجود داشت؛ کریستن سن به نقل از *آمیانس می‌گوید*: «اشراف مزبور دوران ساسانی خود را صاحب اختیار جان غلامان و رعایا می‌دانستند» (کریستن، ۱۳۷۹: ۴۳۰). *حسن آزاد* نیز در مورد خشونت با بردگان می‌گوید: «پریساتیس روزی با پسر خود به بازی نرد نشست و گروگان بازی، یکی از خواجه سرایان بود، و چون پیروز شد فرمان داد تا زنده زنده آن خواجه را پوست کنند!» (آزاد، ۱۳۷۱: ۵۴). مالک وقتی از برده خود عصبانی می‌شد، به شکنجه او می‌پرداخت؛ مثلاً نظامی در منظومه «لیلی و مجنون»، حکایت پادشاهی را می‌آورد که سگان را برای شکنجه تربیت می‌کرد. روزی از روزها که پادشاه از دست غلام عصبانی می‌شود و او را به سگ‌های خود می‌سپارد تا او را بدرند ولی چون سگ‌ها چند بار از دست آن غلام، غذا خورده بودند او را اذیت نمی‌کنند.

ده سال غلامی تو کردم	این بود بری که از تو خوردم
دادی به سگانم از یک آزار	و این بد که نبذ سگ آشنا خوار
سگ دوست شد و تو آشنا نه	سگ را حق حرمت و تو را نه

(نظامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۸۳)

در منظومه «هفت پیکر» نیز شاهد شکنجه بردگان هستیم. وقتی بهرام در غار ناپدید می‌شود؛ چون غلامان همراهش بودند، آن‌ها را شکنجه می‌دهند که جای بهرام را بگویند:

بر نشان دادن خلیفه تخت	می‌زدند آن وشاقگان را سخت
ز آه آن طفلگان دردآلود	گردی از غار بردمید چو دود

(همان: ۵۸۱)

در رمان *عمو تم زندگی بردگان در آمریکای شمالی و جنوبی* بسیار متفاوت از همدیگر است؛ مثلاً در کنتاکی که در آمریکای شمالی واقع شده، شرایط زندگی بردگان

بهتر از سایر جاهاست. از آنجا که در این ناحیه کشاورزی بارونق است، اربابان نیازی نمی‌بینند تا مانند صاحبان مزارع ایالات جنوبی، بردگان را به کارهای شاق وادار نمایند. / استو از وحشت برده شدن در جنوب چنین می‌گوید: «از نخستین سال‌های کودکی فروخته شدن به بازرگانان جنوب، دورنمایی است که به عنوان شدیدترین قصاص مقابل چشم برده‌ها قرار می‌دهند. آن‌ها از تهدید شدن به شکنجه کم‌تر می‌هراسند تا از تهدید اعزام به جنوب» (استو، ۱۳۷۶: ۱۶۲).

شکنجه بردگان در رمان «کلبه عمو تم» رفتاری عادی است که علیه بردگان اعمال می‌شده است؛ تا اربابان بدین طریق به اهداف خود نایل شوند. هالی از رفتار دوست و شریک سابقش تم لگر چنین می‌گوید: «تم لگر پسر زرنگی بود. فقط این تم با برده‌ها خیلی ظالمانه رفتار می‌کرد. از جمله رفتارهای او این بود که دخترهای غمگین را که گریه می‌کردند، زیر مش و لگد می‌گرفت و به سرشان می‌کوبید» (همان: ۳۱). ژرژ نیز علت فرار خود را چنین توصیف می‌کند: «پدر من یکی از این آقاهای کنتوکی بوده است. چون مادرم برده بود، نسبت به ما هیچ لطفی نداشت. او مادرم و هفت فرزندش را همراه سگ‌ها و اسب‌هایش به ارباب‌های مختلفی فروخت. مادرم در حضور ارباب من زانو زد و التماس کرد که او را هم بخرد تا به این ترتیب لااقل یکی از فرزندها برایش مانده باشد، اما ارباب با پاشنه چکمه سنگینش او را به عقب راند. صاحب من با یکی از خریداران توافق کرد و خواهر بزرگ‌ترم را هم گرفت، اما از آنجا که او می‌خواست عقیف باشد، مورد شکنجه قرار گرفت و به سوی سرزمین دیگر فرستاده شد. پیش اربابم به من بیش‌تر از سگ‌های خانه توجه نداشتند. جز شلاق و فحش و گرسنگی هرگز نصیبی نداشتیم» (همان: ۱۸۷-۱۸۹).

ژرژ در ادامه از علامت داغی می‌گوید که اربابش هاریس بر دستانش نهاده است. «این‌ها داغ و داغ آقای هاریس است. پانزده روز پیش هوس کرد که این داغ را روی دست من بگذارد و می‌گفت که چون می‌داند در نخستین فرصت فرار خواهم کرد، بهتر است علامتی داشته باشم» (همان: ۱۹۲). آقای سن کلار دختر بچه‌ای به نام تپسی را به میس افلیا هدیه می‌دهد تا زیر نظر او تربیت گردد. / استو نشانه‌ها و رد شکنجه بر بدن این دختر را اینگونه توصیف می‌کند: «میس افلیا روی شانه‌ها و پشت کودک جای زخم‌های

بزرگ و پینه‌ها و کبره‌هایی دید که نشانه روش صاحبان قبلی در تربیت این کودک بود» (همان: ۳۷۸). این توصیف نویسنده حاکی از شکنجه کودکان بردگان در جامعه آمریکای جنوبی است. از رفتارهای وحشتناک دیگر در این رمان رفتار سیمون با بردگان است. «گوشت‌های دستم مثل سنگ سخت شده‌اند! این گوشت‌ها از فرط کوبیده شدن روی مغز سیاهان این طور سفت شده‌اند!» (همان: ۵۳۲). در ادامه سیمون به قساوت قلب و توخ‌ش خود بیش‌تر اشاره می‌کند و می‌گوید وقتی برده‌ای مریض شد نه‌تنها به او رسیدگی نمی‌کند بلکه برده بیمار نیز باید به اندازه بردگان سالم کار کند تا روزی که بمیرد. آن هنگام است که برده‌ای تازه نفس را جایگزینش می‌کند. سیمون معتقد است که اینطور بیش‌تر صرف دارد و ارزان‌تر تمام می‌شود (همان: ۵۳۳). او کارگران را با لباس‌های پاره و کثیف تا پاسی از شب در مزارع پنبه به کار می‌گیرد و پس از بازگشت ذرت فاسد را برای آسیاب کردن و تهیه نان جلوشان می‌ریزد در حالی که آن‌ها از طلوع آفتاب تا آن وقت شب زیر سخت‌ترین شلاق نگهبانان، پشتشان خمیده است (همان: ۵۴۵). سیمون نه‌تنها خود به اذیت و آزار بردگان می‌پرداخت بلکه به بردگان خاص خود نیز چنین مأموریتی را محول می‌کرد. وقتی شخصیت والای تم برای سیمون لگری اثبات می‌شود، از او می‌خواهد تا شلاق به دست گیرد و زن کارگری را که بیمار بود بزند؛ ولی تم از این فرمان سر باز می‌زند و این نافرمانی خون لگری را به جوش آورده و خود تم را شکنجه می‌دهد. «شلاق چرمی را به شدت به صورت تم زد و به دنبال آن سیلی و ضربه‌های محکم شروع شد» (همان: ۵۵۹).

رفتارهای متمایز با بردگان در خمسه نظامی و کلبه عمو تم

۱. عشق و دوستی با بردگان در خمسه نظامی

کنیز به عنوان معشوق پادشاه یا ارباب، یکی از درونمایه‌های اشعار نظامی است. شرعی بودن رابطه زنان زر خرید و مردان مالک، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که مالک، عاشق کنیز خود شود، و این رابطه کاملاً متعارف و فراگیر بود. ولی گاهی زیبایی و رعنائی کنیز به حدی بود که شاه چنان دل‌باخته کنیزک می‌شد که با او ازدواج می‌کرد؛ مانند داستان بهرام با فتنه.

داشت به خود کنیزکی چون ماه
چست و چابک به هم‌رکابی شاه
فتنه نامی هزار فتنه در او
فتنه شاه و شاه فتنه بر او
(نظامی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۴۶۷)

سرانجام داستان، ازدواج شاه با کنیزک خویش و زندگی در کنار هم است.
موبدان را به شرط پیش آورد
ماه را در نکاح خویش آورد
(همان: ۴۷۳)

کنیزکان داستان‌های نظامی چنان مورد علاقه شاهان هستند که وقتی اتفاقی
برایشان می‌افتاد، شاه به نهایت غم و اندوه فرو می‌برد و با بهبودی او، زندگی دوباره به
شاه بازمی‌گشت.

مثلاً در منظومه «خردنامه»، و در داستان /سکندر با شبان دانا می‌بینم وقتی کنیز
محبوب، بیمار می‌شود، دل پادشاه نیز به شدت دردمند می‌گردد:

مهی داشت تابنده چون آفتاب
ز بحران تب یافته رنج و تاب
شکسته جهان کام در کام او
رسیده به نومییدی انجام او
دل شه که آینه‌ای بود پاک
از آن دردمندی شده دردناک
(همان: ۸۴۱)

شاید بهترین و مهم‌ترین نمود خوش‌رفتاری با بردگان و کنیزان، و عشق به آن‌ها
داستان زندگی خود نظامی باشد.

رابطه نظامی با کنیز خویش (آفاق) نمونه‌ای از عشق بی‌حد و مرز به یک کنیز است
که این عشق حتی پس از مرگ آفاق نیز پایدار می‌ماند:

فلک پیش‌تر زین که آزاده بود
از آن به کنیزی مرا داده بود
همان مهر و خدمتگری پیشه داشت
همان کاردانی در اندیشه داشت
خجسته گلی خون من خورد او
بجز من نه کس در جهان مرد او
چو چشم مرا چشمه نور کرد
ز چشم منش چشم بد دور کرد
رباینده چرخ آنچنانش ربود
که گفتمی که نابود هرگز نبود
(همان: ۸۴۶)

۲. جدا کردن مادر و فرزند و زن و شوهر در کلبه عمو تم

یکی از مسائلی که به کرات در رمان کلبه عمو تم به چشم می‌خورد ظلم‌هایی است که علیه زنان اعمال می‌شود و یکی از دردآورترین این ظلم‌ها جدایی افکندن بین آن‌ها و فرزندان و شوهرانشان است که در مواردی نه چندان کم موجب خودکشی و افسردگی این زنان می‌گردد. در این رمان شخصیت‌های داستان نیز به زجرآور بودن این کار اعتراف می‌کنند. هالی که می‌خواهد هانری را بخرد و او را از الیزا جدا کند می‌گوید: «دیده‌ام کسانی را که با خشونت کودکی را از آغوش مادرش بیرون کشیده‌اند تا او را بفروشند و مادر بیچاره دیوانه‌وار گریه می‌کرد. البته این روش بدی است؛ زیرا کالا را ضایع می‌کند» (استو، ۱۳۷۶: ۳۱). تم سپس از جدایی مادر و فرزند خاطره‌ای را نقل می‌کند که مادر دچار جنون می‌شود و می‌میرد.

«من آن وقت‌ها در اورلئان جدید دختری را می‌شناختم که به راستی زیبا بود؛ اما در اثر یک چنین رفتار به کلی از رونق افتاد. مشتری کودک او را لازم نداشت؛ ولی زن جوان طفل را در آغوش گرفته بود و به هیچ صورتی حاضر نمی‌شد از فرزندش جدا شود. راه می‌رفت، با خودش حرف می‌زد، اشک می‌ریخت و از هر که به او نزدیک می‌شد، فرار می‌کرد. یاد آن منظره همیشه خون را در عروق من منجمد می‌کند. خلاصه سرانجام کودک را از آغوش مادر بیرون کشیدند و مادر را دست‌بند زدند و بردند، اما این زن دچار جنون شد و یک هفته پس از آن مرد» (همان: ۳۲).

اما هالی که مثلاً خود را آراسته به فضایل انسانی می‌دانست، نحوه جدا کردن مادر و فرزند را توسط خودش اینگونه بیان می‌کند: «اگر بخواهم کودکی را بفروشم، نخست مادرش را از محیط دور می‌کنم؛ زیرا خوب می‌دانم که مثل معروف «از دل برود هر آنکه از دیده برفت» صحت دارد. هنگامی که کار تمام شد و دیگر چاره‌ای نیست، آن‌ها ناچار تسلیم می‌شوند» (همان: ۳۴).

در ادامه تم لوکر از شکنجه‌هایی می‌گوید که وقتی مادران نمی‌خواهند از فرزندانشان جدا شوند، با آن مواجه می‌گردند: «هنگامی که زنی را می‌خرم که طفلی دارد و باید او را هم به فروش برسانم نزد این زن می‌روم، مشتتم را گره می‌کنم و زیر بینی‌اش قرار می‌دهم و می‌گویم: این را ببین اگر یک کلمه حرف بزنی با همین مشت دماغت را له

می‌کنم! یک کلمه نمی‌خواهم بشنوم، حتی شروع یک کلمه را» (همان: ۱۱۸). ظلم علیه بردگان فقط جداسازی از فرزند نبود؛ بلکه ارباب حق داشت زن و شوهر برده را نیز از هم جدا نماید و برده زن را به مردی دیگر شوهر دهد و یا برای برده مرد، زن دیگری بگیرد. ژرژ در درد و دل‌هایش با همسرش (الیزا) موضوع پافشاری اربابش برای رهاکردن او و ازدواج با دختری از خانه را بیان می‌کند: «دیروز واضح و آشکار گفت که باید مینا در کلبه من بخواهد و اگر قبول نکنم مرا در آن طرف رودخانه به فروش خواهد رساند» (همان: ۵۰). همچنین در قسمت حراج برده‌های سن کلار مرد جوان سی ساله‌ای از جدایی همسرش چنین می‌نالد: «من زن داشتم، اما نفهمدم چطور شد! بیچاره زنم!...» (همان: ۲۰۲).

نتیجه بحث

هرچند اربابی و برده‌داری در جهان امری معمول بوده، ولی کیفیت رفتار با بردگان در اقصی نقاط جهان به کلی متفاوت از دیگری بوده است. بردگی از دیدگاه دو داستان‌پرداز در حقیقت تابعی است از جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده‌اند. آنچه نظامی در «خمسه» از برده‌داری می‌گوید حاکی از انصاف برده‌داران آن عصر و آن منطقه است که بردگان را آزاد می‌سازند، به آن‌ها عزت و اعتبار می‌بخشند، آن‌ها را مورد محبت قرار می‌دهند و عاشقشان می‌شوند و در مواردی با آن‌ها ازدواج می‌نمایند و این نشانه عطوفتی است که بین اربابان و بردگان آن زمان رایج بوده‌است. در مقابل از چند مورد بی‌لطفی علیه بردگان نیز سخن به میان آمده است که نسبت به رفیق و مهربانی اربابان بسیار اندک است؛ از جمله این بی‌لطفی‌ها؛ تحقیر بردگان و خشونت علیه آن‌ها است. در نگاهی کلی، بنا به گزارش «خمسه»، بردگان در زیر سایه لطف و عنایت اربابان زندگی راحتی را سپری می‌کردند.

در رمان «کلبه عمو تم» نیز آزاد کردن بردگان و مهربانی با آن‌ها توسط اربابان مجال طرح یافته است که نشانه وجود انسان‌های وارسته‌ای است که در جامعه آمریکا زندگی می‌کرده و طرفدار الغای بردگی بوده‌اند، ولی با توجه به محتوای رمان، نه تنها قانونمداران بلکه ارباب کلیسا نیز علیه بردگان عمل کرده و به وضع قوانینی علیه بردگان فراری

می‌پرداختند. از جمله این ظلم‌ها که قلب هر انسانی را به درد می‌آورد عبارت بود از جدا کردن مادر و فرزند، زن و شوهر، خواهر و برادر؛ تحقیر بردگان؛ کرایه دادن بردگان و شکنجه بردگان. شدت ظلم‌ها در این رمان به حدی فجیع انعکاس یافته است که بسیاری بر این عقیده‌اند که انتشار این رمان باعث لغو بردگی در آمریکا شد.



کتابنامه

- آزاد، حسن. ۱۳۷۱ش، **پشت پرده‌های حرمسرا**، ارومیه: انتشارات انزلی.
- استو، هریت بیچر. ۱۳۷۶ش، **کلبه عمو تم**، ترجمه منیر جزنی، تهران: امیرکبیر.
- استو، هریت بیچر. ۱۳۸۵، **کلبه عمو تم**، ترجمه محسن سلیمانی، تهران: افق.
- پتروشفسکی، ای.پ، بلیایف، ی.آ. ۱۳۵۶ش، **سه مقاله درباره بردگی**، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- تراویک، باکتر. ۱۳۹۰ش، **تاریخ ادبیات جهان**، ترجمه عربعلی رضایی، تهران: فرزانه.
- جعفری، آسیه. ۱۳۸۳ش، **بردگی در ادب پارسی**، شیراز: نوید شیراز.
- زرتین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۲ش، **پیر گنجه در جست‌وجوی ناکجاآباد**، تهران: انتشارات سخن.
- ژنس، دومینیک. ۱۳۸۸ش، **رمان‌های کلیدی جهان**، ترجمه دکتر محمد مجلسی، تهران: دنیای نو.
- عسگری حسنکلو، عسگر. ۱۳۸۷ش، **نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی**، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- عنصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر. ۱۳۸۶ش، **قابوسنامه**، به اهتمام و تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- قدیانی، عباس. ۱۳۸۴ش، **تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان**، تهران: فرهنگ مکتوب.
- کریستن‌سن، آرتور امانوئل. ۱۳۷۹ش، **ایران در زمان ساسانیان**، ترجمه رشید یاسمی، تهران: قصه‌پرداز.
- محمد بن منور میهنی. ۱۳۸۸ش، **اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید**، مقدمه، تصحیح و توضیحات از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات آگاه.
- مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید. ۱۳۵۸ش، **واقعیت اجتماعی و جهان داستان**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف. ۱۳۷۸ش، **کلیات نظامی گنجوی**، جلد اول، مطابق با نسخه تصحیح‌شده استاد وحید دستگردی، به کوشش سعید قانع، تهران: انتشارات بهزاد.
- نویسی، عبدالحسین. ۱۳۸۱ش، **اسنادی از خرید و فروش برده**، گنجینه اسناد، شماره ۴۷ و ۴۸.

مقالات

- آریان، حسین و مهدی رضا کمالی بانیانی و محمدعلی نقدی. ۱۳۹۶ش، «**بررسی تطبیقی لیلی و مجنون با اصلی و کرم آذربایجان**»، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال ۱۱، شماره ۴۱، صص ۵۹-۸۱.
- رضاپور پرشکوهی، معصومه. ۱۳۸۸ش، «**برده‌داری مدرن در فقه و حقوق کیفری**»، نشریه نامه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی تهران شمال، شماره ۸، صص ۴۴-۲۵.

یزدان پناه، زهره. ۱۳۸۲ش، «عشق، ایمان، مبارزه؛ نگاهی به رمان کلبه عمو تم»، نشریه ادبیات داستانی، شماره ۶۶ و ۶۷، صص ۳۶-۳۹.

Bibliography

- Azad, Hasan (1992) Behind Harem's Curtains, Urmia: Anzali Publishers.
- Askari Hasankelo, Asgar (2008) The Social Criticism of Contemporary Persian Novel, Tehran: Farzan Rooz Publishers.
- Christensen, Arthur Emanuel (2000) Iranian in Sassanian Era, (trans. By Rashid Yasemi), Tehran: Qesse Pardaz.
- Jafari, Asiyeh (2003) Slavery in Persian Literature, Shiraz: Navide Shiraz.
- Mesbahi Pour Iranian, Jamshid (1979) The Social Fact and the Fiction World, Tehran: Amir Kabir Publishers.
- Mihani, Mohammad in Monavvar (2009) Asrar Al-Towhid, Preface, Edition and Notation by Dr. Mohammad-Reza Shafiei Kadkani, Tehran Agah Publishers.
- Navai, Abdolhossein (2002) Documents on Slave Business, Documents Archive, Nos. 47,48.
- Nizami Ghanjavi, Elias in Yoosef (1999) Nizami Ganjavi's Works, First Volume, in accordance with the edited version by Master Vahid Dastgerdi, by Saeed Ghanei, Tehran: Behzad Publishers.
- Onsor ol Mali, Keykavoos ibn Eskanda (2007) Qaboosname, by. Gholam Hossein Yousefi, Tehran: Elmi Farhangi Publishing Company.
- Petrushevsk, A.P.; Beliaev, J.I (1977 Three Articles on Slavery, (trans. By Sirous Izadi, Tehran: Amir Kabir Publishers.
- Qadyani, Abbas (2004) History, Culture and Civilization of Iran in Sassanid's Era, Tehran: Farhang Maktoub.
- Stowe, Harriet Beecher (1997) Uncle Tom's Cabin, (trans. By Monir Jazani), Tehran: Amir Kabir Publishers.
- Stowe, Harriet Beecher (2006) Uncle Tom's Cabin (abridged version, trans. By Mohsen Soleimani), Tehran: Orough Publishers.
- Travis, Buckner (2011) The History of World's Literature, (trans. By ArabAli Rezaei), Tehran: Forouzan Publishers.
- Zarrinkoub, Abdolhossein(1993) The Ganja Preceptor Looking for Neverland, Tehran: Sokhan Publishers.
- Zhenes, Dominique (2009) The World's Key Novels, (trans. Dr. Mohamad Majlesi), Tehran: Donyaye No.
- Articles
- Arian, Hossein; Mehdi Reza Kamali Baniani and Mohammad Ali Naqdi (2018) The Comparative Study of Layla and Majnun with Azerbaijani Asli and Karam, Quarterly Journal of Comparative Literature Studies, Vol. 11, No. 41, pp.59-81.
- Rezapour Parshokouhi, Masoumeh (2009) Modern Slavery in Fiqh and Criminal Law, Journal of Theology of Islamic Azad University, North Tehran Branch, No. 8, pp.25-44.
- Yazdan Panah, Zohreh (2003) Love, Faith, Battle; A Look at Uncle Tom's Cabin, Journal of Narrative Literature, Nos. 66,67, pp.36-39.